

کنترل تورم با ملی شدن زمین ان الله يامر بالعدل والاحسان

علت تورم در چرخه اقتصاد

چکیده : اقتصاد هر جامعه بر پایه چرخه‌ای منظم از تولید، توزیع، مصرف و گردش پول استوار است. سلامت یا اختلال در این چرخه، به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی و نرخ تورم اثر می‌گذارد. این مقاله با تبیین ارکان اصلی چرخه اقتصاد و نحوه تعامل آن‌ها، نشان می‌دهد که چگونه عملکرد صحیح یا ناصحیح این ارکان می‌تواند موجب ثبات اقتصادی یا بروز تورم و رکود شود.

مقدمه : چرخه اقتصاد را می‌توان گردش منظم و متعادل پول در برابر کالا و خدمات تعریف کرد. هرگاه این گردش به‌صورت عادلانه، شفاف و مطابق با نیازهای واقعی جامعه انجام شود، اقتصاد به سمت رشد و پویایی حرکت می‌کند. در مقابل، هرگونه اختلال، بی‌نظمی یا سوءاستفاده در این چرخه، زمینه‌ساز تورم، کاهش قدرت خرید و تضعیف بنیان‌های اقتصادی خواهد بود.

ارکان چهارگانه چرخه اقتصاد : چرخه اقتصاد بر چهار رکن اساسی استوار است که تعامل صحیح آن‌ها شرط اصلی سلامت اقتصادی محسوب می‌شود:

1- تولیدکنندگان (T) تولیدکنندگان وظیفه خلق کالا و خدمات متناسب با نیاز واقعی جامعه را بر عهده دارند. تولید هدفمند، با کیفیت و متناسب با تقاضا، نقطه آغاز چرخه سالم اقتصادی است.

2- مصرف‌کنندگان (M) مصرف‌کنندگان با خرید کالا و خدمات، چرخه اقتصاد را به حرکت درمی‌آورند. مصرف متعادل و متناسب با درآمد، نقش مهمی در جلوگیری از فشارهای تورمی و ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا دارد.

3- توزیع‌کنندگان (Z) توزیع‌کنندگان حلقه واسط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده‌اند. عملکرد سالم این بخش مستلزم پرهیز از احتکار، گران‌فروشی و دریافت سودهای غیرمتعارف است.

4- بانک‌ها و نظام بانکی (B) بانک‌ها مسئول هدایت و تنظیم جریان پول در اقتصاد هستند. اعطای تسهیلات هدفمند، جلوگیری از خلق پول بی‌ضابطه و رعایت نرخ‌های استاندارد سود، از الزامات نقش‌آفرینی مثبت بانک‌ها در چرخه اقتصاد است.

نقش نهادهای ناظر در سلامت اقتصادی در یک اقتصاد سالم، نظارت مؤثر نقش کلیدی دارد. بانک مرکزی باید با بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند، بر عملکرد بانک‌ها و جریان پول نظارت دقیق اعمال کند. همچنین وزارت بازرگانی موظف است بر فعالیت تولیدکنندگان، صادرکنندگان و توزیع‌کنندگان نظارتی مستمر و کارآمد داشته باشد تا از تخلفات اقتصادی جلوگیری شود. رابطه چرخه اقتصاد و تورم چنانچه هر یک از ارکان چهارگانه اقتصاد از مسیر صحیح خود منحرف شود—مانند تولید غیرواقعی، مصرف افراطی، توزیع ناسالم یا خلق پول بی‌ضابطه—چرخه اقتصاد دچار اختلال شده و نتیجه آن افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی خواهد بود. در مقابل، عملکرد منظم، عادلانه و قانون‌مند این ارکان موجب تقویت چرخه اقتصاد، افزایش حجم فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت رشد پایدار اقتصادی می‌شود.

نتیجه‌گیری : چرخه اقتصاد همانند دایره‌ای است که هرچه منظم‌تر و متعادل‌تر بچرخد، بزرگ‌تر و پویاتر می‌شود. رعایت اصول عدالت اقتصادی، نظارت مؤثر و پایبندی به استانداردها، این دایره را تقویت کرده و زمینه رشد اقتصادی و کنترل تورم را فراهم می‌کند. در غیر این صورت، چرخه اقتصاد تضعیف شده و پیامد آن رکود، تورم و کاهش رفاه عمومی خواهد بود.

اصل دین ای خواجه نظم است در کسب و کار - سود اگر کم بود حلال است کسب و کار
این تورم‌ها که می‌بینیم روزافزون شود - ناشی از بی‌انصافی ست، احتکار است، سودجویی ست در کسب و کار

تورم ز دین است ای عام و خاص - نه از دین اسلام از دین ماست.

متصل چون شد دلت با ماحلال - هین بگو مهراس از ناحلال

لذا بزرگترین دروغی که ما ایرانیان می‌گوییم این است که می‌گوییم «ما مسلمانیم». اگر مسلمان بودیم که تورم نداشتیم.

احتکار زمین عامل تورم روزافزون

مالکیت خصوصی بر زمین و انفال عمومی عامل تورم و گسترش فساد اقتصادی در ایران است. قانونی بودن خریدوفروش زمین در ایران یعنی قانونی شمردن احتکار زمین و احتکار زمین مادر همه احتکارها محسوب می‌شود و به گرانی و تورم دامن می‌زند. در هر اقتصادی که احتکار رواج یابد نه تنها تورم ایجاد کرد بلکه هیچ راهکار کوتاهمدتی برای کنترل آن مؤثر نخواهد بود. نظام‌های سرمایه‌داری که ایران نیز با پذیرش آزادی مالکیت خصوصی زمین در زمره آنان جای می‌گیرد ذاتاً تورم‌زا و فساد گستر هستند. رمز اصلی کنترل تورم، نه در اصلاحات سطحی، بلکه در رفع کامل احتکار از اقتصاد و مخصوصاً در جلوگیری از خریدوفروش زمین و ملی کردن آن است. بدترین نوع احتکار، احتکار زمین است که تنها با ملی‌سازی زمین می‌توان آن را از میان برداشت. دولت با قانونی دانستن خریدوفروش زمین عملاً مجوز احتکار پول را که باید در چرخه اقتصاد کشور جریان آزاد داشته باشد صادر کرده و هیچگاه نمی‌تواند تورم را کاهش داده یا متوقف نماید. مالکیت خصوصی زمین به نوعی تصرف محیط زیست همگانی و مانعی بزرگ بر سر راه ارتقای گردش آزاد پول در جریان اقتصادی کشور است. احتکار یا خریدوفروش آزاد زمین نه تنها نابرابری را در جامعه نهادینه می‌کند، بلکه جامعه را تشویق به بی‌انصافی و ظلم می‌کند. انفال از آن خداوند و پیامبر است پس، از خداوند پروا کنید و میانه خود را سازش دهید و اگر مؤمنید از خداوند و پیامبرش فرمان برید. (انفال - ۱). افزایش حقوق سالیانه کارکنان دولت هر اندازه که بیشتر از رشد اقتصادی باشد موجب افزایش تورم و رشد قیمت‌ها خواهد شد.

انتقاد از فیلسوفان و علمای دین

آقای دینانی و سایر فیلسوفان ایرانی در تلویزیون و سایر محافل داد سخن می‌دهند که عقل چیز خوبی است و بهترین نعمت الهی است اما نمی‌توانند با عقل شان راهی برای کنترل تورم اقتصادی در ایران پیدا کنند. همچنین علمای حوزه که تعدادشان ماشاالله هزار ماشاالله کم هم نیست ورد زبانشان این است که دین خوب است اما اگر از آنها پرسید به چه دلیل دین خوب است و خوبی دین در چیست نمی‌توانند جواب قانع کننده ای بدهند.

لیبرالیسم و سوسیالیسم

لازم است ما ایرانیان بخصوص افراد دیندار و روحانیون با معنای این دو واژه : **لیبرالیسم** (ظلم) و **سوسیالیسم** (عدل) آشنا شویم چون این دو واژه دو مرام و دو رفتار و دو اخلاق در زندگی ماست که در آن غرقیم. نباید ما مانند آن ماهی باشیم که غرق در آب بود ولی از آب اطلاعی نداشت.

سوسیالیست : خداخدمت یا **خلق خدمت**، دوستدار خدمت به خلق (خدا)، کسی که دغدغه مردم را دارد.

لیبرالیست : **خودخدمت**، دوستدار گرفتن خدمت بیشتر از جامعه برای خود و گروه و وابستگان خود.

سوسیالیست الهی : **خلق خدمت خداپرست**، سوسیالیستی که هم به خدا (توحید)، پیغمبر (نبوت) و آخرت

(معاد) اعتقاد (ایمان) دارد و هم دغدغه مردم را دارد.

عدل : دادوستد خدمت برابر با مردم (عدالت)

احسان : خدمت رایگان (مهربانی)

خلاصه شاه بیت قرآن این است

ان الله يامر بالعدل والاحسان

با توجه به این آیه شریف از قرآن و با عنایت به اخلاق و سنت پیامبر گرامی اسلام و امامان بزرگوار تشیع می‌توان گفت که سوسیالیسم الهی مرام و اخلاق معصومین علیهم السلام بوده و شیعیان هم باید به تاسی از این بزرگوار مشی اخلاقی و سیاسی سوسیالیسم الهی را در زندگی مد نظر قرار دهند. همچنین مومنان، مخصوصاً

روحانیون و علما همه باید سوسیالیست خداپرست باشند. در همین راستا حوزه های علمیه باید طلاب را برای سوسیالیست خداپرست شدن پرورش دهند و تربیت کنند.

صبغه الله و من احسن من الله صبغه

رنگ خدایی و بندگی و خدمت به خلقی بپذیرید. عبادت بجز خدمت خلق نیست.

متصل چون شد دلت با سوسیالیسم

هین برو مهراس از لیبرالیسم

روند رشد فکری و اخلاقی انسان

جهان بدلیل اینکه بشر اخلاق لیبرالیستی و رقابتی را برای زندگی خود انتخاب کرده و از اخلاق سوسیالیستی و نودوستی و خیرخواهانه (توحیدی) بهر دلیل فاصله گرفته، صحنه منازعه اخلاق لیبرالیستی انسانها شده است. لذا می توان گفت که تا بشریت از این منازعات و رقابت های لیبرالیستی خسته نشود به سوسیالیسم و نودوستی و خیرخواهی روی نخواهد آورد. یک لیبرالیست چون در فضای فکری رقابتی و خودمحوری زندگی می کند همیشه نگران است و از سایرین می ترسد اما یک سوسیالیست چون هدفش کمک به دیگران است همیشه در آرامش بسر می برد و چیزی نمی ترسد. یک سوسیالیست احساس همه بودن می کند اما یک لیبرالیست احساس فردیت، خودیت و استقلال می کند. رشد فکری و اخلاقی انسان به ترتیب از بدو تولد با لیبرالیسم شروع می شود بعد به نولیبالیسم و سپس به سوسیالیسم و نهایتاً به سوسیالیسم الهی می تواند ارتقا پیدا کند. ان الله يحب المحسنين یعنی خداوند نیکوکاران و سوسیالیست ها را دوست دارد. اغنیاء مکه روند و فقرا سوی تو آیند. جان به قربان تو نیکوکار (سوسیالیست) که حج فقرایی.

و نکته آخر اینکه خداوند یک سوسیالیست سکولار را بیشتر از یک لیبرالیست الهی دوست دارد. کسانی که از لیبرالیسم و نولیبالیسم خسته شده اند و حتی کسانی که از سوسیالیسم بیزارند من آنها را به سوسیالیسم الهی دعوت می کنم. سوسیالیسم الهی یعنی خدمت به خلق برای خدا. یعنی عدالت و مهرورزی بخاطر خدا. ان الله یامر بالعدل والاحسان. در سوسیالیسم الهی رقابت برای مال اندوزی برای خود وجود ندارد. هم افزایی و مشارکت برای رفاه و سعادت عمومی وجود دارد. مردم و مسئولان و مدیران و دولتمردان جهان باید به سوسیالیسم الهی ایمان بیاورند.

انسان چیست یا کیست ؟

انسان در ذات و سرشت خود، دوستدار سلامت، زیبایی، نظم و توانمندی است و همواره می کوشد این ویژگی ها را به تدریج کامل تر و گسترده تر سازد؛ تا آنجا که به نظمی هماهنگ و زیبایی یکپارچه در محیط پیرامون و حتی در سراسر جهان دست یابد. اما کاستی او در این است که این کمال و نظم را اغلب فقط برای خویش می خواهد (لیبرالیسم)، نه برای دیگران (سوسیالیسم). همین خودمحوری، انسان را به رقابت، تعارض و گاه منازعه با دیگران می کشاند. در این نقطه است که پیامبران ظهور می کنند و راحل بنیادین خود را - که «دین» نام گرفته - برای نجات انسان و جلوگیری از نزاع های بشری ارائه می دهند؛ راحلی که جوهره آن در این فرمان الهی خلاصه می شود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». انسانها فقط از طریق خدا می توانند به هم متصل شوند و اتصالشان پایدار بماند. اگر از طریق غیر خدا و با انگیزه های دنیوی مثلاً با پول به هم متصل شوند وحدت و اتصالشان سست و ناپایدار خواهد بود. هرگز به سوسیالیسم و نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، انفاق کنید؛ و از آنچه انفاق می کنید، خداوند آگاه است. آل عمران - ۹۲

موانع اسلام در حکمرانی خوب و عادلانه

این فرمایش حضرت علی ع : «مظلومان را یاری و با ظالمان مبارزه کنید» پایه و اساس و هدف اسلام است. لذا دست اندرکاران حکمرانی در ایران باید مصادیق ظلم و عدل و حلال و حرام مناسبات و روابط داخلی و

خارجی در همه حوزه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را بشناسند. و امر به معروف و نهی از منکر را اساساً حول ساخت مصادیق عدل و ظلم و حرام و حلال قرار دهند و در قوانین کشور بازنگری کنند.

قانون برای آن است که حقوق انسانها تامین بشود و از تضییع حقوق انسانها جلوگیری شود. لذا چنانچه قوانینی وجود دارند که موجب تضییع حقوق انسانها می شوند باید با قوانین جدید تامین کننده حقوق جایگزین شوند.

دین اسلام در آغاز ظهور خود، حدود چهارده قرن پیش، با رویکردی علمی، منطقی و عقلانی پا به عرصه وجود گذاشت و همراه با اندیشه ها و نگرش های نو، الگویی کارآمد از حکمرانی متناسب با شرایط زمان خویش ارائه کرد. این عقلانیت پویا سبب شد اسلام در مقطع تاریخی خود، پاسخگوی همه نیازهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه باشد و عدالت را در سرزمین خود حاکم نماید.

اما با گذر زمان و پیدایش و گسترش علوم انسانی جدید، به تدریج از جنبه عقلانی و کارکردی برخی احکام کاسته شد و در مقابل، برداشت های احساسی، نمادین و غیرکاربردی پررنگتر گردید. برای نمونه، در موضوع خمس و زکات، با وجود تحول ساختارهای اقتصادی و شکل گیری نظام های مالیاتی مدرن، این دو مقوله هنوز به طور رسمی در نظام مالیاتی کشور جمهوری اسلامی ایران ادغام نشده اند و بسیاری از فقها و علمای دینی با چنین ادغامی و یکپارچه کردن خمس و زکات و مالیات موافق نیستند. نمونه دیگر، تفاوت در میزان ارث میان فرزندان پسر و دختر است؛ حکمی که در شرایط اجتماعی و اقتصادی امروز، از منظر عدالت اجتماعی مورد نقد قرار می گیرد و دیگر برای بسیاری قابل دفاع تلقی نمی شود. این گونه موارد و نمونه های مشابه، در نگاه منتقدان، از چالش ها و نقاط ضعف اسلام در عرصه حکمرانی معاصر به شمار می آیند و ضرورت بازخوانی عقلانی و متناسب با شرایط روز را بیش از پیش آشکار می سازند.

موانع کنترل تورم در ایران

احتکار، مادر تورم و گرانی است و احتکار زمین مادر احتکار هاست. تا زمانی که پدیده احتکار و بسترهای مساعد برای انباشت و حبس کالا، زمین، پول و ارز در کشور وجود داشته باشد و اراده ای قاطع برای مقابله با آن شکل نگیرد، تورم فزاینده همچنان پابرجا خواهد ماند. از این رو، دولت موظف است علاوه بر برخورد جدی و مؤثر با احتکار، به صورت ریشه ای با عوامل و زمینه هایی که احتکار و قاچاق کالا و ارز را امکان پذیر می سازد مقابله کند.

مهم ترین مصادیق و زمینه های احتکار کالا، پول و ارز عبارت اند از:

1. احتکار زمین، مسکن، املاک و مستغلات و حبس سرمایه در بخش غیرمولد
2. احتکار ارز؛ چه در قالب تحریم های خارجی و محدود سازی منابع ارزی، چه از سوی برخی صادرکنندگان و همچنین نگهداری ارز در منازل توسط مردم
3. احتکار پول توسط بانک ها و هدایت آن به سمت سوداگری در بازار زمین و املاک
4. احتکار کالا توسط تجار، بازاریان و حتی خرده فروشان با هدف افزایش قیمت
5. قاچاق گسترده انواع کالا و خروج آن از چرخه رسمی اقتصاد کشور

بی تردید، مهار تورم و کاهش فساد اقتصادی بدون مبارزه ای همه جانبه و مستمر با این اشکال از احتکار و قاچاق امکان پذیر نخواهد بود.

دلیل گرانی مسکن و کالاها

انسان از آغاز تاریخ نباید دو چیز را وارد چرخه خرید و فروش می‌کرد: نخست خود انسان و دوم محیط زیست. با این حال، به دلیل ناآگاهی و اخلاق بدوی، انسان‌ها به معامله انسان پرداختند و نظام برده‌داری را پدید آوردند؛ نظامی که خوشبختانه با رشد فکری و اخلاقی بشر امروزه از میان رفته است. اما خرید و فروش محیط زیست، به‌ویژه زمین، همچنان ادامه دارد و ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی امروز به همین موضوع بازمی‌گردد. این پرسش مطرح است که چرا دولت‌ها قادر به مهار گرانی مسکن و حتی کالاهای مصرفی نیستند؟ پاسخ را می‌توان در زنجیره‌ای ساده اما عمیق یافت. وقتی از فروشنده می‌پرسیم چرا اجناس را گران می‌فروشی، پاسخ می‌دهد که اجاره مغازه بالاست و ناچار است برای تأمین آن، قیمت کالا را افزایش دهد. وقتی همین سؤال را از مالک مغازه می‌پرسیم، می‌گوید قیمت زمین در این منطقه بالاست و به همین دلیل اجاره را گران تعیین می‌کند. مسئله اصلی در اینجا است: زمین که بخش بنیادین محیط زیست است، اصولاً نباید موضوع خرید و فروش قرار گیرد. مالکیت زمین ذاتاً ماهیتی مشاع دارد و متعلق به همه مردم است. بر اساس آموزه‌های قرآنی نیز زمین و منابع طبیعی از مصادیق انفال عمومی به شمار می‌آیند و در اصل به همه خلق تعلق دارند، نه به افراد خاص. از این رو، دولت نباید زمین‌هایی را که در حقیقت متعلق به عموم مردم است به فروش برساند یا اجازه دهد که این منابع عمومی میان افراد دادوستد شده و به مالکیت خصوصی درآیند. **وظیفه دولت آن است که زمین را ملی کند** و تنها در قالب اجاره و برای مصارف مشخصی مانند مسکن، کشاورزی، صنعت و سایر فعالیت‌های کارآفرینانه در اختیار مردم قرار دهد. در چنین چارچوبی، امکان احتکار زمین، سوداگری و فروش آن به هر قیمتی از بین می‌رود و حقوق عمومی مردم حفظ خواهد شد.

مهمانی و تصرف مهمانخانه

جمله مهمان اند در این عالم ولی
کم کسی داند که او مهمان کیست
جمله می‌دانند اینجا چند روزی ساکن اند
لیک در فکر غصب بخشی از خانه اند
همه میدانیم ما به دنیا آمده ایم که چند صبحی در اینجا (محیط زیست) زندگی کنیم و خواهیم رفت. درست مثل مهمانی که به مهمانی می‌رود و بعد از اتمام مهمانی باید مهمانخانه را ترک کند. اما بشر طوری در این مهمانخانه بساط خود را می‌چیند که انگار می‌خواهد برای همیشه باقی بماند. سعی میکند بخشی از مهمانخانه را غصب کند یا بخرد و خود را از دیگر مهمانان جدا می‌کند و دیگران را به بخش خود راه نمی‌دهد. بعد با همسایگان بر سر زمین بیشتر وارد جنگ و نزاع می‌شود. بقول آیت‌الله جوادی آملی انسان مالک محیط زیست نیست، امین آن است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی

با سلام و احترام

در صدر اسلام و در زمان بعثت پیامبر اکرم ﷺ، حکم ارث که سهم پسر را دو برابر دختر قرار می‌داد، در مقایسه با عرف رایج آن عصر - به‌ویژه در میان یهودیان که اصولاً برای دختران حقی در ارث قائل نبودند - گامی بزرگ در جهت عدالت و احقاق حقوق زنان به‌شمار می‌رفت و عین عدالت تلقی می‌شد. اما با توجه به تحولات عمیق اجتماعی، اقتصادی و حقوقی در جوامع امروزی، به‌ویژه در جامعه کنونی ایران، این پرسش به‌طور جدی مطرح است که آیا اجرای همان نسبت دوبرابری، همچنان با مفهوم عدالت در شرایط فعلی سازگار است یا خیر؟ به نظر می‌رسد در زمان حاضر، این حکم در افکار عمومی و نزد بسیاری از اندیشمندان، عادلانه تلقی نمی‌شود.

از این‌رو این سؤال مطرح می‌شود که:

آیا اگر قانون ارث به‌گونه‌ای اصلاح شود که سهم الارث پسر و دختر به‌صورت مساوی و برابر تعیین گردد، با عدالت سازگارتر نخواهد بود؟

آیا نمی‌توان گفت که پیامبر اکرم ﷺ از تحقق برابری حقوقی بیشتر میان فرزندان، در چارچوب عدالت، خشنود می‌گردند؟

آیا حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها از برابری حق ارث میان پسر و دختر رضایت نخواهند داشت؟ و آیا زنان و دختران جامعه اسلامی ایران از چنین اصلاحی احساس رضایت و کرامت بیشتری نخواهند کرد؟ همچنین این پرسش وجود دارد که اصرار برخی از علمای معاصر بر تداوم نابرابری ارث میان پسر و دختر، تا چه اندازه مبتنی بر منطق مستدل، فهم روزآمد از اسلام و روح آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» است؟ به نظر می‌رسد این موضوع نه‌تنها از منظر بسیاری از کارشناسان حقوقی و علوم انسانی محل تأمل جدی است، بلکه از نگاه رحمت و عدالت الهی نیز نیازمند بازاندیشی می‌باشد. مشکل علمای اسلام این است که بجای اینکه خدا و عقل را بیشتر از دین دوست داشته باشند و اولویت را به خدا و عقل بدهند دین را بیشتر از خدا و عقل دوست دارند. به همین دلیل هیچ اقدامی برای بروزرسانی دین و عادلانه کردن احکام و دستورات دینی نمی‌کنند و همه تلاش خود را صرف توجیه و تبیین دستورات اولیه و تاریخی دین می‌کنند. نظر و دیدگاه حضرت‌عالی در این خصوص چیست؟

از بذل توجه و پاسخگویی شما سپاسگزار خواهم شد.

با تقدیم احترام